

نگاهی تطبیقی به تصویر شب از نگاه ادوارد یونگ^۱ و آلفرد دو موسه^۲

مهدی ممتحن*

نسرین دفترچی**

علی اصغر شهناز خضولو***

چکیده

ادوارد یونگ شاعر انگلیسی اواخر قرن هفدهم در اثر معروف خود با عنوان تفکرات شبانه^۳ تصویری غریبانه از صحنه مرگ همسر شارائه می‌هد. آلفرد دو موسه، شاعر فرانسوی قرن نوزدهم در سرودن مجموعه شعری اش با عنوان شب‌ها^۴ از ادوارد یونگ الهام می‌پذیرد. او شب را تنها شاهد روزگار غم زده‌اش در نظر می‌گیرد و الهه‌های شعر^۵ را برای التیام درد فراقش از ژرژ ساند به یاری می‌طلبد. در این مقاله در نظر داریم این دو مجموعه شعری را با هم مقایسه کنیم.

کلیدواژه‌ها: شب، شعر سپید، مرگ، فراق، الهه‌های شعری، رماتیک، نشانه شناسی.

1. Edward Young

2. Alfred de Musset

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد جیرفت. ایران. جیرفت (دانشیار)

** مدرس دانشگاه تربیت معلم تهران.

*** دانش‌آموخته فرهنگ و زبان‌های باستانی - دانشگاه شهید بهشتی.

3. Night thoughts

4. Les Nuits

5. La muse

البته بهتر است اشاره کنیم که در فارسی به آن الهه شعر و الهه هنر و سروش نیز می‌گویند (مهاجر،

مهران، نبوی، محمد، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲۹

dr.momtahen@gmail.com

مقدمه

تصویر از دیر باز به عنوان یک عنصر مهم تحقیقات ادبی، هنری و حتی فلسفی و به طور کلی فرهنگی مطرح شده است (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۱۲۰). تصویر «شب» در ادبیات جایگاه ویژه‌ای دارد. این موضوع به نوعی در ادبیات تمام ملل مطرح شده است. این تصویر هر دم به نشانه‌ای رمز آلود بدل شده است که از نگاه هر نویسنده‌ای مفهومی خاص را در بر دارد. «شب» در ادبیات ملل شرقی در اثر هزار و یک شبیا روایتی زنانه آشکار می‌شود که با طرح داستان‌های شبانه روالی پیچیده را دنبال می‌کند. این موضوع در ادبیات قرون وسطی اروپا نیز ریشه دارد که گاه در سبک بورلسک^۱ نمادین می‌شود. برای نمونه می‌توان به اثر تفکرات شبانه ادوارد یونگ که یکی از شاعران مردم پسند اواخر قرن هفدهم محسوب می‌شود، اشاره کرد (Young et al., 1975: iii). او در مجموعه شعری تفکرات شبانه، تصویر ترس از مرگ را با رنگ و بوی باورهای مذهبی مسیحیون در هم می‌آمیزد و نمادی آهنگین و آهنگی غمگین را در لابه لای نت‌های شاعرانه اش به نمایش می‌گذارد (Bliss, 1969: 126). شاعر حال و هوای احساسات خویش را در شب فراق وصف می‌کند و برای ارائه توصیفی ناب و واقعی از تفکرات اخلاقی نیز یاری می‌جوید. او مرگ را پیش دیدگانش تصور می‌کند و بسان سقراط قبل از اینکه از فرط ناراحتی تسلیم نیستی شود، با خواندن قطعه شعری مرحمی برای دل خسته‌اش می‌جوید (Young et al., 1759: 89). او از سکوت شبانه، به آرامشی وصف ناپذیر می‌رسد و گوش به نوای الهی می‌سپارد. او لحظه به لحظه از غم خویش برای صیقل دادن روح خسته اش کمک می‌گیرد و خویشتن خویش را ملاقات می‌کند (Young 1805: iv). حال آنکه، آلفرد دو موسه شب را نشانه رازهای دگر می‌یابد و خویشتن خویش را به سکوت شبانه می‌سپارد تا با نوای الهه‌های شعری به سیر و سلوک در دنیایی ماورایی رسد. او راهی عرفانی از نوع رمانتیک را ترجیح

1. Burlesque

می‌دهد و از قدرت کلام سحر برانگیز شعری برای تلطیف روح خسته‌اش یاری می‌جوید. او جادوی کلام را در شعر، معجزه‌ای غریب می‌یابد و تسلیمِ ندهای تابعه‌های^(۱) الهام بخش شعرهای شبانه‌اش می‌شود. او نیز در مقام شاعری پیام‌آور، از کلامی ماورایی به تلطیف آلام خستگی‌های روحی‌اش دست می‌یابد و خواننده را نیز در مسیر التیام خویش سهیم می‌کند و او را در جریان هر مرحله از بهبودی‌اش قرار می‌دهد. تا اینکه در نهایت، اوج روحی‌اش را در لحظه فراموشی خاطراتِ دلگیر گذشته‌ها جشن می‌گیرد.

تصویر شب و نشانه‌های آن در ادبیات

تصویر شب در ادبیات نشانه‌های فراوانی بر مبنای نگرش نویسنده و شاعر مورد نظر دارد. این تصویر در ادبیات فارسی می‌تواند نشانه «ظلمت» را در بر داشته باشد.

«خوش است این داستان در شان بیمار
که شب باشد هلاک جان بیمار
بود بیماری شب جان سپاری
ز بیماری بتر بیمار داری»

(خسرو و شیرین، ۲۹۲)

به موازات آن، تصویر برخی از شب‌ها از جمله شب قدر و شب یلدا نیز در ادبیات فارسی انعکاس یافته است. افسانه گفتن در شب‌های اقوام ایرانی رسمی قدیمی به شمار می‌آمد.

«معاشران گره از زلف یار باز کنید
شبی خوش است بدین قصه‌اش دراز کنید»

(حافظ، ۱۶۵)

اما مفهوم «شب فراق» و «شب وصال» تصویری آشنا در ادبیات تمام ملل محسوب می‌شود.

«شب فراق که داند که تا سحر چند است
مگر کسی که به زندان عشق در بند است»

(سعدی، ۶۲۲)

شاعرانی چون مسعود سعد و منوچهری نیز به توصیف نشانه‌هایی از شب در اشعار

خویش پرداخته‌اند (شمیسا، ۱۳۷۷ : ۶۹۲-۶۹۰). این تصویر در ادبیات معاصر فارسی نیز در لا به لای اشعار نیما یوشیج نیز به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به شعرهای «شعر شب»، «اندوهناک شب»، «در شب سرد زمستانی»، «همه شب» و ... اشاره کرد که بیشتر نشانه‌های جامعه شناختی در آنها نهفته است (پورنامداریان، ۱۳۸۱ : ۸-۵).

«در شب سرد زمستانی

کوره خورشید هم، چون کوره گرم چراغ من نمی‌سوزد»

(نیما یوشیج، ۷۳۴)

شاملو نیز از شعری است که در شعر معاصر فارسی از شب و استعاره شب بسیار سخن گفته است و عنوان بسیاری از شعرهایش واژه «شب» و «شبانه» به چشم می‌خورد. در زیر به قطعه‌ای از شعر شبانه «ابراهیم در آتش» اشاره می‌کنیم که در این شعر و بیشتر شعرهای دیگر شاملو «شب» مفهومی نمادین دارد.

«اگر که بیهده زیباست شب

برای چه زیباست

شب

برای که زیباست؟-

شب و

رود بی انحنای ستاره گان

که سرد می‌گذرد».

(شاملو، ۷۱۳)

اینک نگاهی به نشانه‌شناسی تصویر «شب» از ورای ادبیات دیگر ملل می‌پردازیم. آشیل^۱ از شبی تاریک سخن می‌گوید که ظلمت همه جا را فرا گرفته است. ویرژیل نیز پا

1. Eschyle

به پای او توصیفی ظلمانی و تاریک از شب ارائه می‌دهد، شبی که «آتش‌ها آسمانی» سر تا سر آسمان را فرا گرفته است و پیشروی یونانیان را در نبرد تروا اعلام می‌کند. البته، در میان اشعار قرن شانزدهم تاریکی شب بسی کمرنگتر می‌نماید. تصویر زیبایی‌های شبانه در ساز شاعرانه نوایی بس غریب به گوش هر خواننده‌ای می‌رساند. عظمت زیبایی‌های شبانه از نگاه موشکافانه گالیله نیز نهان نماند. پتولمه^۱ حدود ۱۰۲۲ ستاره را در آسمان زیبای شب رصد کرده بود. کپلر^۲ گالیله را برای کشف زیبایی‌های شب و محاسبات دقیقش از اسرار شبانگهی تحسین می‌کرد. ادبیات رنسانس با نگاهی دیگر که از یافته‌های روز نشأت می‌گیرد، به توصیف شب می‌پردازد (Ménager, 2005: 74). تصویر «شب» در ادبیات باروک^۳ اروپایی با دیدیه سویه^۴ به طور علنی آغاز شد. البته پیش از وی، رنسار^۵ نیز در وصف زیبایی‌های منظره شبانه و شکوه طبیعت و عظمت سکوت شب، اشعار زیبایی ارائه داده بود. (Kronegger et al., 1998 : 296) او با تکیه بر اصول سبک گوتیک، در مدح زیبایی‌های آسمانی مرمرین و پر ستاره بسیار قلم رانده بود. ادبیات انگلیسی نیز با آثار دراماتیک شکسپیر آسمان شب را به نظاره می‌نشینیم. تقریباً تمام صحنه اول نمایشنامه اتللو در شب به وقوع می‌پیوندد. دو ماس^۶، شاعر نامدار باروک شب را نماد کوری و نادانی بشری تلقی می‌کند. به مرور، در دوره رنسانس رابطه بین سیاهی و شب با روشنایی پیوند می‌خورد و با نشانه «پرومته در بند و زنجیر» به مسئله تلاش بشری برای دست یافتن به آتش روشنایی ربط می‌یابد. اسطوره نقاب سیاه شب با یافته‌های اختر شناسی جلوه‌ای دیگر به خود می‌گیرند و مادر طبیعت نشانه‌های نوبی در ادبیات می‌یابد.

رمبو^۷، شاعر فرانسوی در قرن نوزدهم با مجموعه شعری اش زورق مستی^۸ تصورات

1. Ptolémée

3. Baroque

5. Ronsard

7. Rimbault

2. Kepler

4. Didier Souiller

6. Du Mas

8. Le Bateau ivre

رنگین خویش را بر صحنه شعر می‌بازد. ماس^۶ شاعر نیز شب را برابر با تصویر رنسانس

هستی در دنیایی که به گل‌های بدی^۲ آراسته شده است، می‌یابد. ویکتور هوگو در شعر فردا، سپیده دم^۳، شب هنگام به دیدار دخترِ ناکامش می‌شتابد و شب را نشانِ انتظاری بس تلخ و در عین حال شیرین می‌یابد. آرامشِ شب تنها در تصویرِ شاعرانه متجلی نمی‌شود و اسرارِ شب طرحی جاودان بر دلِ انواعِ گونه‌های مختلفِ هنر می‌نگارد. آلوویوس برتراند^۴ در اثرِ خود با عنوانِ گاسپارِ شب^۵ آزادی رویاهای شبانه را به نمایش می‌گذارد. ژرژ برنانو^۶ نیز به نوبه خویش جادوی دنیای شبانه را در لا به لایِ رمانهای خویش آشکار می‌کند (Asenio, 2007: 258). کافکا^۷ نیز به نوبه خویش فضایی مه‌آلود را در آثارِ خویش به نمایش می‌گذارد و شخصیت‌های داستان را در شبی به تصویر می‌کشد که تا پایان شب از سردرگمی نجات نخواهند یافت. آندره ژید^۸ نیز با هنرِ گفتاری سحر آمیز و بازی کلامی و سوسه بر انگیز شخصیت‌هایش را در دنیایی مملو از رمزهای ناگشودنی و شبی بی پایان تنها رها می‌کند و هیچ سری را آشکار نمی‌کند. او هم‌نوا با آندره والتز^۹، نویسنده انگلیسی تبار اواخرِ قرنِ هجدهم مادلن معصوم را همچون همزادی با امانول والتز می‌آفریند. اما این تصویرِ شبانه تنها به مجموعه‌ای از اسرارِ زیبایی‌های شب محدود نمی‌شود. گاه نیز حجابِ شبِ حصری بر خطاهای بشر می‌افکند و بر دلِ گنهکاران نفوذ می‌کند. آثارِ پیروانِ سوررئالیسم نیز همواره تصویری مه‌آلود می‌نماید که در حالتِ خواب و بیداری آفریده است. آندره برتون همواره سعی در تجلی تصویری از واقعیت در لابه‌لای هزار توی کلماتی می‌گشت که در دلِ شب به رقص هماهنگ با رویاهایش می‌پرداختند (DeBoisdeffre, 1973 : 17-155). اما ادوارد یونگ با توصیفِ تفکراتِ شبانه‌اش در واقع‌حال و هوای احساساتِ خویش را در شبِ فراق روایت می‌کند و برای ارائه توصیفی ناب و واقعی از تفکراتِ اخلاقی نیز یاری می‌جوید.

1. Baudelaire
3. *Demain, Dès l'aube*
5. *Gaspard de la nuit*
7. Kafka
9. André Walter

2. *Les fleurs du mal*
4. Aloysius Bertrand
6. Georges Bernanos
8. André Gide

آلفرد دو موسه نیز یک قرن بعد تصویر شب را در چهار ماه مختلف نشان می‌دهد و از این طریق احساسات خویش را از لحظه تجربه ناکامیدر شب‌های ونیزی تا لحظه تلطیف روحی اش بر روی محور شعری نشان می‌دهد. شب در آینه تنهایی‌های شاعر به طنینی غمگین بدل می‌شود و نشانی از رازهای شاعر را در خود نهان می‌دارد.

تفکرات شبانه و تأملات عارفانه از منظر ادوارد یونگ

عنوان این مجموعه شعری ادوارد یونگ خواننده را به نشانه‌های پر رمز و رازی از اسرار محتوای شعری هدایت می‌کند که در حقیقت به صورت استعارای به تفکرات شبانه شاعر دلالت دارد. تفکراتی که توأم با تأملات عارفانه است و شاعر را گام به گام برای عروج به ماوراء عرش الهی و رسیدن به آرامش فکری یاری می‌کند. شاعر شب را مجالی برای تعمق در راز آفرینش تلقی می‌کند و شعر را محصول تفکرات شبانه خویش می‌خواند. او هستی در بند سخته‌های دنیوی را تنها راه برای رهایی از تن آسایی و تفکرات عمیق در نظر می‌گیرد. از دست دادن عزیزان و مرگ همسرش او را تا ابد داغدار و محروم خوشی‌های گذرا می‌کند. از این پس، شخصیت این شاعر معنی گرافولادین و تفکراتش بیشتر به سر آفرینش معطوف می‌شود. او شب را خلوتی برای اندیشیدن می‌داند و از هیاهوی روز هر دم می‌گریزد. او از اینکه جمعی را در حال تعظیم در برابر طلوع آفتاب تصور کند، هراسان می‌شود. ادوارد یونگ با نگاهی عمیق شب و روز را در تقابل باهم می‌یابد. به عبارت دیگر، او عمر روز را بسی کوتاهتر از عمر شب در نظر می‌گیرد و با ارائه تصویری زیبا از اسرار شب، منظره شبانه را بسی زیباتر از صحنه طلوع آفتاب می‌یابد. او طلوع آفتابی که کوتاه فکران کم خرد را به تعظیم وا می‌دارد و از اندیشیدن به راز هستی و منبع الهی باز می‌دارد، گریزان است. شرایط محیطی شاعر را تحت فشار قرار می‌دهد. البته باید اذعان داشت که ادوارد یونگ با اغراق در توصیف جنبه‌های پر زرق و برق در تصویری که از شب ارائه می‌دهد، اثر خویش

را در قالب سبک بورلسک شکل می‌دهد. او با نگاهی اغراق‌آمیز لورنزو^۱ را مورد خطاب قرار می‌دهد و الگوهایی از زندگی واقعی را برایش بیان می‌کند. او در چارچوب اندیشه‌های عمیقش، گل‌هایی از رنگ و بوهای ناب را در سفره درد و دلش می‌نهد و اشعاری سپید را از جنس احساسات و تأملاتش در چنگ روح نوازش کوک می‌کند. او به منظور عمق بخشیدن به اندیشه‌هایش، ساعت‌های زیادی را در کنار قبرهای واقع در کلیسا سپری می‌کرد و حتی این مکان را برای پیاده‌روی‌های طولانی مدت خویش انتخاب می‌کرد تا حس از دست دادن و مرگ عزیزانش زیر غبار زمان به باد فراموشی سپرده نشوند. هر چند بخش‌هایی از اشعار یونگ فراتر از احساسات شخصی‌اش می‌روند و به موقعیت اجتماعی و سیاسی عصر هنرمند دلالت می‌کنند. در مجموع، توصیفی که یونگ از شب و تفکرات شبانه‌اش ارائه می‌دهد، بیشتر به تابلویی از تنه درخت می‌ماند که تنها در نگاه اول و از دور واقعی می‌نماید و با تعمق بیشتر می‌توان به جنبه‌هایی از اغراق که از سطح واقع‌گرایی آن می‌کاهد پی برد. قدرت بیان و حس‌آمیزی در اشعار یونگ رگه‌های تصویرسازی را در ذهن خواننده قوی‌تر می‌نماید و او را به همدلی با احساسات هنرمند فرا می‌خواند. روایت‌های طولانی بیشتر به بیان جنبه‌های اخلاقی اختصاص داده شده‌اند که با جادوی سپیدی شعر گام در فراسوی کلام می‌نهند و احساسات طبیعی غم از دست دادن عزیز را تا ابد بر صحنه ادبیات ماندگار می‌کنند (Young, 1805: viii-xxi).

باری، یونگ در شعر شب دوازدهم از مزایای شب و تنهایی بسیار سخن سر می‌دهد و از اینکه بشر تنها بودن^۲ را با تنهایی^۳ یکی می‌داند، اظهار ناخشنودی می‌کند. او فریاد سر می‌دهد:

1. Lorenzo
3. La solitude

2. Être seul

«سرانجام روزی همه چیز را از دست خواهیم داد؛ و جز خدا و خودآگاهی چیزی برای بشر باقی نخواهد ماند».

(Le Tourneur, 1769: 3)

«انسانهای این جهانی از کسوف در آسمان شگفت زده می‌مانند. این سرزمین‌های سخت چقدر با شکوه هستند! این دریاها چه عظمتی دارند. این دریاها چقدر می‌توانند برای انسان انباشته از خوشی، ثروت یا جنگ باشند! دریاها، بادها، و گیاهان، به خدمت انسان در آمده‌اند، هنر، دانش انسان اهدافش را ارتقا می‌دهند»

(Ibid., 179)

«خداوند شب و ستارگان را برای صعود روح بشر آفرید (...) تا در دل بشری عشق به حکمت متعالی را به ودیعه نهد»

(Ibid., 17)

بنابراین می‌توان اذعان داشت که تصویر «شب» از منظر ادوارد یونگ نشانه اسراری نهان و سر بسته و عشقی بی پایان و نگرشی متعالی محسوب می‌شود. شب مأمونی مطمئن برای خلوت و کلیدی برای کشف راز هستی و رمز سکوت جهان گشودن است. یونگ، شاعری مسیحی است ولی پیام مسیحیت را در لفافه بیان نمی‌کند. بل نگرشی عارف گونه به اسرار جهان می‌اندازد و بار هستی خویش را در قبال هستی جهان ذره‌ای بیش حس نمی‌کند و غم خویش را در پس بادهای طبیعت به فراموشی تقریبی می‌سپارد و خود را با تغییرات هستی بیرون همسو می‌کند. او داروی دل زخم دیده خویش را در نظاره زیبایی‌های جهان می‌یابد و با تفکرات شبانه اش هر دم بیشتر انس می‌گیرد. اندیشه‌های عمیق یونگ متفکران زیادی را تحت تأثیر قرار داده است که از آن جمله می‌توان به ادموند بورک^۱،

1. Edmund Burke

فیلسوف نام امورِ معاصرِ یونگ و آلفرد دو موسه، شاعرِ فرانسوی زبان قرنِ نوزدهم اشاره کرد که به شیوه‌ای مشابه شب را تنها شاهدِ دردهای خویش می‌یابد و شباهنگام با الهه‌های شعری به گفتگو می‌نشیند. حال می‌خواهیم نگاه شبانه و نشانِ شب را از اشعارِ آلفرد دو موسه نیز تحلیل کنیم.

ماجرای شبِ ونیزی، محورِ تحولاتِ فکری آلفرد دو موسه

آلفرد دو موسه نویسنده و شاعرِ رمانتیکِ فرانسوی قرنِ نوزدهم در خانواده‌ای اشرافی چشم به جهان گشود. او رمانتیسم را در سبک و سیاقِ زندگی خویش نیز همچون سرلوحه‌ای بس گران بها در نظر گرفت. دیری نپایید که عشق را تنها گوهرِ بارزشی نامید که چونان دُرّی نایاب می‌نمود. او در یک نگاه دل به عشقِ ژرژ ژرژ ساند سپرد و تسلیمِ نگاه‌های عاشقانه وی شد. در انتهای چندمین ماه آشنایشان، برنامه سفری به وینز رویایی شیرین می‌نمود. بارِ سفرِ خویش را بستند و راهی سرنوشتی بس شوم شدند و در این سفر چیزی جز زهر بر کامِ آنان تلخ ننمود. آلفرد جوان، زخمِ خنجرِ بی وفایی را بر دلِ خویش حس نمود و آهی دل خراش کشید و تصویرِ شب‌های ونیزی را جلوه‌ای بی روح می‌بخشد. او این تجربه ناکامی خویش را بر چنگِ هنرِ نواخت و آهنگی جاودان با اشعارِ خویش آفرید. حال، تجربه تلخ و ناکامی به اشعاری گاه سوزناک و گاه آرام بدل می‌شوند. او خود را قربانی قرنِ نوزدهم معرفی می‌کند و در چارچوبِ اشعارِ رمانتیک رازِ دل می‌سراید و بی امان می‌گرید. او خود را در دامِ نوعی سبکِ زندگی رمانتیک می‌یابد. او همچون ژان ژاک روسو شروع به اعتراف می‌کند و فردگرایی و مکتبِ نارسسیسم^۱ را در قرنِ نوزدهم رواج می‌دهد. هر چند، «من» هنرمند حرفِ اول را در مکتبِ رمانتیسم می‌زند و شاعران و نویسندگانِ رمانتیک بیشتر از عمقِ احساسات خود پرده بر می‌دارند. او با ناراضایتی تمام شاعران و نویسندگانِ عهده‌های پیش

1. Narcissisme

را موردِ عناد قرار می‌دهد و آنها را متهم به بیهوده سرایی می‌کند و خطاب به آنها می‌گوید: «این ترانه سرایان چنگ به دست جامِ باده سر می‌دادند و جز زیبایی‌های ساحلِ عاج هیچ نمی‌دیدند» (Perreau, 1862: 35).

موسه عشق را به شیوهٔ مانون دو لسکو^۱ آبه پرُوست^۲ با ریز بینی خاصی مطرح می‌کند. او فریاد می‌زند که «در عهدِ سقوطِ ایده‌آل‌ها، آخرین پناه ممکن در رمان‌ها است» (Bony, 1992 : 4) و خطاب به مخاطبان هنرِ خویش می‌افزاید: «می‌بینم که عشق را آنگونه که شاعران برایتان وصف می‌کنند، باور دارید» (Musset, 1960 : I-5). به این ترتیب، تصویرِ شب‌های ونیزی در اشعارِ آلفرد دو موسه تبدیل به تصویرِ شکستِ عاشقانه می‌گردد. از این رو، اشعارِ شب‌ها تبدیل به ترجمانِ احساساتِ فردی شاعر می‌گردد. در این مجموعهٔ شعری، شاعر رازِ دل خویش را در طولِ چهار شب با فاصله‌های زمانی چند ماهه و به صورتِ تغزل‌هایی کوتاه به تصویر در می‌آورد. این فاصله‌های زمانی شاملِ انتخابِ ماه‌هایی خاص از چهار فصلِ سال می‌شود که به طورِ استعاری، چهار دوره از بحرانِ فکری تا رسیدن به آرامشِ مجدد را نشان می‌دهد. هر چند، انتخابِ نامِ این ماه‌ها می‌تواند هیچ پیامِ ادبی را به دنبال نداشته باشد. تنها اصرار بر وجودِ فاصله زمانی حائز اهمیت است که شاملِ شب‌های ماه می، اوت، اکتبر و دسامبر است. این اثر تضاد بین بلند پروازی‌های مکتبِ رمانتیسم و ناکامی‌های زندگی شخصی شاعر را به نمایش می‌گذارد و در عین حال، روالِ صعودی سیرِ فکری شاعر را بر محورِ گذر زمان نشان می‌دهد. به نظر می‌آید که شاعر تنها با خلقِ زیبایی و هنرِ آفرینی شفا خواهد یافت. شعرِ شبِ دسامبر از مکالمه شاعر با الهه‌ای بی‌روح شکل می‌گیرد. در حقیقت، شاعر با خویشتنِ خویش گفت‌وگویی آغاز می‌کند و خود را موردِ خطاب قرار می‌دهد. بخشی از نشانه‌های توصیفی در بطنِ این شعر به صورتِ مجازی تنهایی‌های شاعر را در زمستانی که بس ناجوانمردانه سرد است، نشان می‌دهند. مجموع

1. Manon de Lescaut

2. Abbé Prévost

سه شب بعدی، بر مسئله روالِ التیامِ شاعر تأکید دارند. الهه شعر تنها شاهدِ تحولاتی روحی شاعر است و روالِ بهبودی اش را چند برابر می‌کند. او به شاعر می‌گوید: «شاعر، چنگت را بردار و به من بوسه‌ای بزن» (Stewart et al., 1914: 94). شبِ ماه می بر اساسِ اقتضای بهار، دمیدنِ روحی تازه در دلِ شاعر را اعلام می‌کند. شبِ ماه اوت، بازگشتِ لبخند بر لبانِ شاعر در اوجِ گرمای تابستان را نوید می‌بخشد. شبِ ماه اکتبر، شبِ پاییزی سمبولیک لحظهٔ تجدیدِ خاطراتِ تلخِ شاعر محسوب می‌شود. در این مرحله، شاعر آهسته نجوا می‌کند: «اشعارِ ناامیدی، زیباترین ترانه است» که با خطِ فکری شاعر در ماه می، زمانی که بادهای شمالی وزیدن آغاز می‌کنند در تناقض است. به این ترتیب، روشن است که نویسنده در مجموعهٔ شعری شب‌ها احساساتِ خویش را در چنگِ شعر و هنر می‌نوازد و همچون لامارتین^۱ در سالِ ۱۸۲۰ سیرِ تحولاتِ احساسی خویش را به تصویر در می‌آورد. هر چند شیوه هنر موسه با تغزل سرایی هوگو در سالِ ۱۸۵۰ متفاوت است (Charlton, 1984 : 145-147).

بنابراین، تصویرِ شبِ الگوریتمی از تصویرِ شب‌های تمامِ فصل‌های سال، زندگی و فکری و احساسی شاعر است. او سیری صعودی از لحظه ناکامی تا لحظه تجدیدِ قوای روحی خویش که فاصله‌ای تقریباً یک ساله است طی می‌کند. او همچون طبیعت، هر لحظه در هم می‌شکند و رو به زوال سیر می‌کند، بادِ شمال می‌وزد و روحش را تازه می‌کند، گرمای تابستان روحش را از نو بارور می‌کند و بادهای پاییزی، مجالی برای تجدیدِ خاطراتش فراهم می‌سازد.

نتیجه

تصویرِ شب در ادبیاتِ اروپایی می‌تواند بارِ معنایی متفاوتی به خود بگیرد. لیکن، گاه این تصویر، لحظهٔ خلوتِ گزینی‌های شبانهٔ شاعر و گاه نیز توأم با تاملاتِ عارفانه اوست و نشان

1. Lamartine

می‌دهد که شاعر برای التیامِ روحِ خنجر خورده اش می‌تواند به تفکراتِ شبانه روی آورد و یا اینکه از تفکراتِ یکنواختِ همعصرانِ خویش به ستوه آمده و نشانه‌های عرفانی سکوت شبانه و نوای الهه‌های شعری را راهی برای راز و نیاز شاعرانه بیابد. او هر دم با خود و الهه‌های شبانه و شعری به گفتگو می‌نشیند و رازِ دل باز می‌گوید تا سیری صعودی به روح خویش هدیه کند. شب تنها زمانِ آرام در عرضِ ۲۴ ساعتِ شبانه روزی محسوب می‌شود که دنیا هیاهویی ندارد. شاعر این فرصت را غنیمت می‌شمارد و روحش را از نا آرامی‌های روز و بی‌رحمی‌های زمان دور می‌کند. ادوارد یونگ و آلفرد دو موسه، هر دو فرزندانِ آسیب دیده روزگارِ خویش هستند و زمان بی‌رحمانه با آنها به نبرد پرداخته است. آنها تنها در مأمِن هنر به سکون و آرامش می‌رسند که نشانه شناسی تصویرِ شب این روال را بر ما ثابت می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در آئین مانوی واژه نرجمیگ از دو واژه «نر» به معنی مردانه و پهلوان و «جمیگ» به معنی همزاد تشکیل شده است که الهام بخشِ تلقیناتِ توم به مانی را دارد و معادلِ «تابعه مانی» در نظر گرفته می‌شود (رجوع شود به کتابِ دین‌های ایران باستان نوشته مهری باقری، پاورقی صفحه ۹۵ و ۹۶). این واژه در زبان فرانسوی «Muse la» است که به صورتِ الهه‌های الهام بخشِ شاعرِ رمانتیک است. از آنجائیکه شاعرانِ رمانتیک خود را همچون پیام آور در نظر می‌گرفتند در سرودنِ اشعارشان الهه‌های شعری به یاریشان می‌آمدند.

کتابنامه

- باقری، مهری. ۱۳۸۵. *دین‌های ایران باستان*، سلسله. تهران: نشر قطره.
پورنامداریان، تقی. ۱۳۸۱. *خانه‌ام ابری است*. ج ۲. تهران: سروش.
شاملو، احمد. ۱۳۸۳. *مجموعه آثار*. ج ۵. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
شمیسا، سیروس. ۱۳۷۷. *فرهنگ اشارات ادبیات فارسی*. ج ۲، ج ۱. تهران: فردوسی.
مهاجر، مهرا، نبوی، محمد. ۱۳۸۱. *واژگان ادبیات و گفت‌مان ادبی*. ج ۱. تهران: نشر آگه
نامور مطلق، بهمن. زمستان ۱۳۸۸. «درآمدی بر تصویر شناسی، معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*.

- ASENSIO, Juan. 2007. *La littérature à contre-nuit*, Éditions Sulliver, CABRIS.
- BONY, Jacques. 1992. *Lire le romantisme*, Dunod, Paris.
- CHARLTON, Donald Geoffrey. 1984. *The French romantics*, Volume 1, CUP Archive, New York.
- De BOISDEFFRE, Pierre. 1973. *Les écrivains de la nuit ou La littérature change de signe: Baudelaire, Kierkegaard, Kafka, Gide, T. E. Lawrence, Luc Dietrich, Drieu La Rochelle, Montherlant, Beckett*, Plon, the University of Michigan.
- KRONEGGER, Marlies, VUILLEMIN, Jean-Claude. 1998. *Esthétique baroque et imagination créatrice*, the University of Michigan, Michigan.
- LE TOURNEUR, Pierre. 1769. *Les Nuits de Young*, Oxford University.
- MÉNAGER, Daniel. 2005. *La Renaissance et la nuit*, Librairie Droz, Genève.
- MUSSET, Alfred de. 1960. *La Confession d'un enfant du siècle*, Classique Garnier, Paris.
- PERREAU, Adolphe. 1862. *Alfred de Musset: l'homme, le poète*, Poulet-Alassis, Paris.
- ST. JOHN BLISS, Isabel. 1969. *Edward Young*, Twayne Publishers, the University of Michigan.
- STEWART, Hugh Fraser, TILLEY, Arthur Augustus. 1914. *The French romanticists: an anthology of verse and prose*, University press, the University of California, California.
- YOUNG, Edward. 1805. *The Complaint: or, Night thoughts on life, death and immortality*, O. Penniman, the New York Public Library, New York.
- YOUNG, Edward. 1805. *The poetical works of Edward Young with the life*, Printed for Benjamin Johnson, Jacob Johnson, & Robert Johnson, Philadelphia.
- YOUNG, Edward, BLAKE, William. 1975. *Night thoughts: or, the complaint and the consolation*, Dover Publications.
- YOUNG, Edward, RICHARDSON, Samuel. 1759. *Conjectures on original composition: In a letter to the author of Sir Charles Grandison*, Oxford University publications, London.